

نوع مقاله: ترویجی

دین و ثروت: پارامترهای نظام اقتصاد اسلامی در رفع فقر و توزیع و تولید عادلانه ثروت

سعید محمدیگی / دانش‌پژوه دکتری فلسفه اقتصاد اسلامی مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی

Beigi.1992@gmail.com  orcid.org/0000-0001-8594-1472

پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۱۸

دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۱۵

چکیده

نابرابری توزیع و تولید ثروت در تحقیقات متعددی مورد بحث قرار گرفته است؛ اما نحوه ایجاد این نابرابری‌ها و چگونگی حل این مشکل کمتر در تحقیقات مورد بررسی قرار گرفته است. در این زمینه یکی از مهم‌ترین عواملی که در پژوهش‌ها کمتر در مورد آن بحث شده است، چگونگی برخورد و حل این مشکل توسط نظام اقتصادی اسلام است. هدف این مقاله بررسی متغیرهای پیشنهادی نظام اقتصاد اسلامی در توزیع عادلانه ثروت و رفع فقر است. پژوهش حاضر بعد از تحلیل و بررسی خاستگاه و جایگاه فقر در ادبیات اقتصاد متعارف و اقتصاد اسلامی، به بررسی پارامترهای نظام اقتصادی اسلام در زمینه توزیع عادلانه ثروت و از بین بردن فقر می‌پردازد. پژوهش حاضر با کمک گرفتن از روش تحلیل متون اسلامی و روش عقلی و با استفاده از تکنیک پژوهش کتابخانه‌ای انجام شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که پارامترهای پیشنهادی نظام اسلامی در سه دسته پارامترهای تأسیسی، اصلاحی و احتیاطی قرار می‌گیرند. پارامترهای تأسیسی منجر به افزایش درآمد جامعه اسلامی و توزیع عادلانه ثروت می‌شود، پارامترهای احتیاطی تمرکز ثروت را محدود می‌کند و در نهایت پارامترهای اصلاحی برای اصلاح عدم تعادل در توزیع درآمد و ثروت و ارتقاء شرایط اقتصادی استفاده می‌شوند. در صورت اعمال این اقدامات، مشکل فقر و توزیع ناعادلانه ثروت می‌تواند به صورت ریشه‌ای حل شود.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد اسلامی، نظام اسلامی، رفع فقر، توزیع عادلانه ثروت.

مقدمه

جمعیت مسلمان دارد و دلایل هرگونه تأثیر چیست؟
 دین و ایمان چه نقشی در زندگی روزمره مردم در غلبه بر فقر و
 نحوه نگرش آنها به خود و جامعه دارند؟
 سازمان‌های مذهبی چه نقشی در مبارزه با فقر و تعامل با فقرا دارند؟
 نظام اقتصاد اسلامی در برخورد با نابرابری‌ها و توزیع عادلانه
 ثروت در چه طیفی قرار می‌گیرد، مشروعیت بخشیدن به نابرابری‌ها
 و بی‌عدالتی‌ها و یا به‌عنوان محرکی برای تغییرات و توانمندسازی
 نظام اقتصادی؟

براین اساس فرضیه مقاله این‌گونه شکل گرفته که نظام اقتصاد
 اسلامی در توزیع عادلانه ثروت و از بین بردن فقر برنامه‌های خود را
 در سه محور راه‌کارهای احتیاطی، اصلاحی و تأسیسی ارائه کرده است.

۱. مفهوم‌شناسی فقر و ثروت

جست‌وجوی معنای فقر و ثروت در خارج از چارچوب آیات و روایات،
 محقق را دچار سردرگمی می‌کند. پژوهش‌های در زمینه فقر و ثروت
 تعاریف گوناگون و در برخی موارد کاملاً متناقض از این دو واژه ارائه
 داده‌اند. درحقیقت در تحلیل‌های متداول هیچ تعریف استاندارد از
 فقر وجود ندارد. فقر در برخی پژوهش‌ها شخص یا کشوری است که
 دارای «ثروت اندک» یا «درآمد ناچیز» باشد (هانسون، ۱۹۸۶، ص
 ۳۰۸). در پژوهشی دیگر فقر به‌عنوان درآمد حداقلی که برای
 دستیابی به حداقل نیازهای مادی کفایت نمی‌کند، تعریف شده است
 (رانتری، ۱۹۸۸، ص ۱۱۷)؛ یا به شرایطی که در آن نیازها به شکل
 مطلوبی برآورده نمی‌شود، اطلاق گردیده است (درنونوسکی، ۱۹۷۶،
 ص ۵). در برخی دیگر از پژوهش‌ها ناکافی بودن وسایل و تجهیزات
 نسبت به نیازهای اولیه انسانی فقر تلقی شده است (تاسینگ، ۱۹۹۱،
 ص ۴۹۵). گریمک (۱۹۹۴) فقر را نقطه‌ای که در آن بقای فرد و
 خانواده تهدید می‌شود، تعریف می‌کند (گریمک، ۱۹۹۴، ص ۳).
 بانک جهانی نیز فقر را محرومیت از رفاه می‌داند، و در صورتی که
 دارایی فرد بتواند بدهی‌های او را پوشش دهد، مازاد بر آن ثروت
 تلقی می‌شود. نقطه مشترک تمامی تعاریفی که از فقر ارائه شده،
 نقصان است که هر پژوهشگر سعی کرده آن را نسبت به چیزی
 مقایسه کرده و آن را فقر قلمداد کند. درحقیقت تعاریف، شاخص و
 تعریف واضحی که از آن بتوان در هر شرایطی فقر را تشخیص داد،

فقر یک مشکل جهانی است که بشر در طول تاریخ با آن روبه‌رو
 بوده است. مطالعه بانک جهانی در سال ۲۰۱۵ نشان می‌دهد که در
 حدود ۴۰ درصد از مردم جهان در زیر خط فقر زندگی می‌کنند، و از
 این تعداد یک درصد تنها برای زنده ماندن تلاش می‌کنند (بانک
 جهانی، ۲۰۱۵). این مشکل تا اندازه‌ای مورد توجه است که حتی
 برخی کشورهای توسعه‌یافته جهان، همچون آمریکا نیز به‌عنوان
 نمونه اصلی در روند نابرابری توزیع ثروت و درآمد شناخته می‌شوند
 (ولف، ۲۰۱۶؛ پیکتی، ۲۰۱۴؛ انکینسون و بورگینیون، ۲۰۰۱). اگرچه
 فقر از نظر اسلام مورد پذیرش قرار نگرفته است: امیرمؤمنان علیؑ
 به فرزندش محمدبن حنفیه می‌فرماید: «ای پسر من از فقر برای
 تو می‌ترسم پس از آن به خدا پناه ببر که فقر کاستی شدیدی در
 دین به همراه دارد و باعث سرگشتی و موجب کینه‌توزی است»
 (نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۵۳۱)؛ اباعبدالله از رسول خداﷺ نقل
 می‌کند که فرمود: «فقر تقریباً مانند کفر است» (حرعاملی، ۱۳۸۴، ج
 ۱۵، ص ۳۶۵)؛ پیامبر اکرمؐ می‌فرماید: «خدایا از کفر و فقر به تو
 پناه می‌برم» (طوسی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۶۷۹). این وضعیت در
 میان کشورهای مسلمان خصوصاً ایران نگران‌کننده است. داده‌های
 مرکز آمار ایران در مورد نحوه توزیع ثروت در ایران نشان می‌دهد
 اوج شکاف طبقاتی و توزیع نابرابر درآمد در ایران در سال ۵۴ با
 ضریب جینی ۰/۵ بوده است و در این سال ثروتمندترین دهک، ۳۴
 برابر فقرا درآمد داشته‌اند که این نسبت در سال ۱۳۹۵ به ۱۰ برابر
 کاهش یافته و از سال ۹۶ دوباره روند صعودی پیدا کرده است.
 جدیدترین پژوهشی که توسط سازمان بهداشت جهانی
 (World Health Organization) و برنامه جهانی غذا
 (World Food Programme) نیز انجام شده، نشان می‌دهد بیش از
 ۸۲۰ میلیون نفر در سراسر جهان هنوز از فقر و گرسنگی رنج می‌برند
 (فاو و سازمان بهداشت جهانی، ۲۰۱۹، ۲۰۲۰).

پژوهش حاضر با کمک گرفتن از روش تحلیل متون اسلامی و
 روش عقلی و با استفاده از تکنیک پژوهش کتابخانه‌ای درصدد است تا
 پیشنهادی نظام اقتصادی اسلام در توزیع و تولید عادلانه ثروت و
 ریشه‌کنی فقر در جامعه اسلامی را مورد بررسی قرار دهد. به‌طور
 مشخص مطالعه حاضر به‌دنبال دستیابی به جواب این سؤالات است که:
 نظام اقتصادی اسلامی چه نقشی در بهبود وضعیت معیشتی

۲. نحوه ورود نظام مند پارامترهای ارزشی دین در

سیستم اقتصادی جامعه اسلامی

برای درک حقیقت دین در شکل دهی نگرش‌های افراد، ابتدا باید مفهوم دین روشن شود. رجوع به ادبیات متعارف در زمینه دین، گویای این حقیقت است که از نظر تعریف دین، گرچه آشنایی سطحی از کلیت دین در میان عموم مردم وجود دارد؛ اما تعریف صحیح و مورد توافقی از دین حتی در میان اندیشمندان مسلمان، فیلسوفان و یا دانشمندان علوم اجتماعی در غرب وجود ندارد (گاتری و همکاران، ۱۹۸۰).

یکی از کانال‌های عمده و اساسی ورود ارزش‌ها در اقتصاد اسلامی و اقتصاد متعارف، نحوه برخورد با فرض عقلانیت است. درحقیقت نحوه تعامل هر دو سیستم به صورت غیرقابل انکاری بر نحوه توزیع ثروت و رفع فقر نیز تأثیرگذار است. نظریه عقلانیت علاوه بر مؤلفه‌های انتخاب عقلایی به محدودیت‌های شناختی تصمیم‌گیرنده نیز توجه دارد، محدودیت‌هایی شامل دانش و ظرفیت محاسباتی مصرف‌کننده (سیمون، ۱۹۹۰، ص ۱۵). به علاوه عقلانیت به عنوان موضوعی محوری در رویکرد رفتاری به اقتصاد محسوب می‌شود که عمیقاً بر فرایند تصمیم‌گیری واقعی افراد در اقتصاد تأثیرگذار است (سیمون، ۱۹۷۲، ص ۱۶۱). یکی از این فرایندهای تصمیم‌گیری نیز با نحوه برخورد افراد با فقرای جامعه مرتبط می‌شود. درحقیقت نحوه مواجهه اقتصاد متعارف با رویکرد عقلانیت عمیقاً بر شیوه‌هایی که افراد تحت آنها فرایند تصمیم‌گیری را انجام می‌دهند، تأثیرگذار است. محدودیت‌های مختلفی در زمینه انتخاب و گزینش، عدم تعریف دقیق و چارچوب صحیح معنایی و تعارض امیال و محدودیت‌های اخلاقی در ارتباط با رویکرد اقتصاد متعارف نسبت به عقلانیت اشاره شده است. فریدمن و لیونل رابینز با تردید در مورد فرضیه ارائه شده از عقلانیت، به عدم تعریف دقیق این رویکرد و مشخص نبودن چارچوب صحیح معنایی آن اشاره می‌کنند (فریدمن، ۱۹۵۳؛ رابینز، ۱۹۳۲). برخی دیگر از اقتصاددانان نهادی، همچون هیرشمن به محدودیت‌های انتخاب و گزینش افراد در تصمیم‌گیری اشاره می‌کنند، براین اساس حتی در صورت فرض وجود اطلاعات کامل و در دسترس بودن آن، افراد با محدودیت انتخاب و گزینش روبه‌رو هستند (هیرشمن، ۱۹۷۰؛ همو، ۱۹۸۲؛ بکر، ۱۹۶۲). آمارتیاسن به مردود بودن معیار نفع شخصی به عنوان ملاکی برای عقلانیت اشاره می‌کند. از نظر آمارتیاسن این معیار شامل تمامی

ارائه نمی‌دهند. تعریفی که در ادبیات اقتصاد متعارف بتوان در شرایط متفاوت بر آن تکیه کرد و به وسیله آن فقر را اندازه‌گیری کرد، در تعریف بانک جهانی ارائه شده است.

به طور کلی در ادبیات اقتصاد متعارف، فقر براساس سطح درآمد و مصرف سرانه هر خانوار اندازه‌گیری می‌شود. بر همین اساس در سال ۲۰۱۹، بانک جهانی بنابر اصل برابری قدرت خرید، خط فقر بین‌المللی را به جای یک دلار در روز به ۱٫۲۵ دلار در روز تعریف کرده است (بانک جهانی، ۲۰۱۹). براساس این رقم جدید، کسانی که کمتر از ۱٫۲۵ دلار در روز درآمد دارند تحت فقر مطلق طبقه‌بندی می‌شوند.

برخلاف تعدد آرایی که در زمینه تعریف و مشخص کردن ابعاد فقر و غنا در ادبیات غیر از قرآن و سنت مورد بررسی قرار گرفت؛ رجوع به آیات و روایات در زمینه فقر و ثروت نشان می‌دهد که این دو واژه به طور مشخص در چهار معنای مختلف تعریف شده‌اند؛ الف. نیاز انسان به خداوند؛ همه موجودات و از جمله انسان به خداوند نیازمند است و خداوند از هر چیزی بی‌نیاز است ب. نیاز انسان‌ها به یکدیگر؛ انسان برای گذران زندگی نیاز به افراد هم‌نوع خود دارد؛ زیرا به تنهایی توانایی تأمین تمام نیازمندی‌های زندگی را ندارد و از این جهت همه انسان‌ها به نوعی به یکدیگر نیازمندند. ج. فقر نفس؛ ممکن است به انسان حالتی دست دهد که نفس و دل او خود را به مال، مقام یا چیز دیگری محتاج ببیند؛ چنین فقری فقر نفس است. د. فقر مالی و تهیدستی؛ که در مقابل آن ثروتمندی و داشتن مال به قدر نیاز و بیشتر قرار دارد و از این فقر و غنا در اقتصاد بحث می‌شود (هاشمی، ۱۳۹۰، ص ۱۱۷-۱۱۸). به علاوه جست‌وجو در آیات و روایات حول دو عنوان فقر و ثروت نشان می‌دهد که این دو واژه به صورت مطلق مورد نکوهش یا تمجید واقع نشده و بنا بر شرایطی که در آن موقعیت توصیف شده‌اند، صفات نکوهش یا تمجید نیز بر آنها بار گردیده است. به علاوه تمامی معانی فقر و ثروت مورد بحث در اقتصاد اسلامی واقع نمی‌شود؛ به عنوان نمونه فقر نفس در رسیدن به پُست و مقام یا فقر انسان به خداوند از جمله موضوعاتی است که اگرچه تحت عنوان فقر می‌توان از آنها بحث کرد؛ اما ربطی به موضوع بحث حاضر ندارند. آنچه از فقر و غنا در این پژوهش از آن بحث شده و نمونه‌های متعددی از آن در آیات و روایات ذکر شده است، فقر مالی و تهیدستی در مقابل توانگری و غنای مالی است.

آنها شامل اقداماتی در ابعاد مختلف احتیاطی، اصلاحی و تأسیسی می‌گردد که در ادامه این موارد بررسی شده است.



منبع: یافته‌های تحقیق

۳-۱. پارامترهای احتیاطی نظام اقتصادی اسلام

هر طرح فقرزدایی و توزیع عادلانه ثروت باید براساس تحقیق در مورد علل فقر باشد. در سطح کلان، دو دلیل احتمالی برای فقر وجود دارد: اول، سطح پایین تولید ناخالص ملی؛ درحقیقت در این سطح تحلیل دلایل فقر افراد در جامعه اسلامی در تولید ناخالص ملی سرانه پایین جست‌وجو می‌شود. دوم، توزیع نابرابر درآمد؛ در این سطح از تحلیل نیز دلایل وجود فقر در سیستم اقتصادی در این حقیقت است که درآمد در میان افراد معدودی متمرکز شده است و دیگران از این حق بی‌بهره یا کم‌بهره هستند. در سطح خرد، فقر ممکن است به دلایل مختلفی ایجاد شود. ممکن است فردی به دلیل بیکاری، معلولیت و... فقیر باشد. یا فقط به این دلیل که در خانواده‌ای فقیر به دنیا آمده و از این‌رو از فرصت‌های اجتماعی برابر از جمله تحصیل، دسترسی به مشاغل پردرآمد، منابع مادی و غیره محروم بوده و این دلایل باعث فقر او شده است.

در این ارتباط توجه به آموزه‌های اسلامی نشان می‌دهد برنامه این سیستم کامل اقتصادی در جهت از بین بردن فقر و توزیع عادلانه ثروت همگی در یک سطح از تحلیل قرار نمی‌گیرند. به بیان دیگر اسلام در جهت مبارزه با این پدیده‌ها همه برنامه‌های خود را صرفاً به این امر اختصاص نداده که افراد در جامعه اسلامی به‌واسطه اموری که بیان شد، فقیر شوند، سپس برنامه‌هایی را ارائه کرده باشد؛ بلکه اسلام برخی اقدامات پیش‌دستانه و اصطلاحاً در این پژوهش به‌عنوان اقدامات احتیاطی برای جلوگیری از این چنین پدیده‌هایی را نیز پیشنهاد کرده است. به‌علاوه با توجه به شرایط حاکم بر جوامع، به حاکم اسلامی نیز اختیاراتی در زمینه قانون‌گذاری واگذار شده است که به‌عنوان پارامترهای تأسیسی توسط ولی امر در این

انتخاب‌ها می‌شود علاوه بر اینکه نمی‌تواند توضیح مناسبی در مورد انگیزه‌های خیرخواهانه ارائه دهد (سن، ۱۹۷۷؛ همو، ۱۹۸۷). برخی از دیگر محققان همچون هربرت سیمون با ایجاد شک و تردید در مورد اصل توانایی افراد در تشخیص نفع شخصی به وجود محدودیت‌های شناختی افراد و همچنین محدودیت در دسترسی و پردازش اطلاعات اشاره می‌کنند (سیمون، ۱۹۹۰). تمامی این مؤلفه‌ها همان‌طور که قبلاً نیز اشاره گردید، می‌توانند بر نحوه تعامل فرد در اقتصاد غربی با افراد فقیر مؤثر باشند.

در مقابل، نظریه عقلانیت دینی از سه محور شکلی، روشی و محتوایی با رویکرد مقابل خود از عقلانیت در اقتصاد متعارف تفاوت دارد. از نگاه اسلامی عقلانیت دینی دارای مفهومی است که هیچ‌یک از اشکالات مطرح در نظریه عقلانیت بر آن وارد نمی‌شود. عقلانیت دینی علاوه بر توسعه در مبانی روش‌شناختی عقلانیت محدود یعنی دو مؤلفه پیشینه‌سازی نفع شخصی و سازگاری درونی، معیارهای دیگری نیز به عقلانیت اضافه می‌کند که از اشکالات اشاره شده در عقلانیت محدود همچون مشکلات شناختی، عدم تعریف دقیق و چارچوب صحیح معنایی و مشکلات انتخاب و گزینش در اقتصاد متعارف فاصله می‌گیرد. تمامی این پارامترها به‌نوبه خود در برخورد فرد مسلمان نسبت به فقیران و تهی‌دستان جامعه به صورت واضحی قابل نمود است.

۳. پارامترهای نظام اقتصادی اسلام در راستای توزیع عادلانه ثروت و رفع فقر

برنامه‌های رفع فقر و توزیع عادلانه ثروت باید همه این اصول را برای تدوین و اجرای سیاست مؤثر در نظر داشته باشند. بنابراین رویکرد نظام اقتصاد اسلامی در رفع فقر و توزیع و تولید عادلانه ثروت شامل سه سطح سیاستی: احتیاطی، اصلاحی و تأسیسی می‌گردد که می‌تواند به ارتقاء و رشد مواردی که در ادامه به آنها اشاره می‌شود، کمک کند: ۱. افزایش تولید ناخالص داخلی با یک برنامه توسعه اقتصادی عمل‌گرا و مؤثر؛ ۲. دستیابی به برابری در توزیع درآمد؛ ۳. فراهم آوردن فرصت‌های برابر برای همه افراد جامعه در جهت ارتقاء شرایط اقتصادی اقشار محروم جامعه؛ ۴. رسیدگی به موضوعات خاص اقتصادی که به‌صورت کلی حکمی از جانب شرع در مورد آنها صادر نشده است. تدوین چنین سیاست‌هایی و اجرای

است؛ به گونه‌ای که هیچ فرعی از احکام الهی بدون در نظر گرفتن اصل عدالت قوام ندارد (امامی، ۱۳۸۹، ص ۲۵)، امیرمؤمنان علیؑ در باب اهمیت جایگاه عدالت آن را به مثابه شالوده‌ای می‌داند که قوام جهان بر آن استوار است (مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۷۸، ص ۸۳).

۲-۳. منع از اسراف و تبذیر

اسراف در لغت به معنای تجاوز از حد معنا شده است؛ اگرچه این تجاوز از حد و زیاده‌روی در انفاق حاصل شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ق، ص ۴۰۷). معانی دیگری نیز که برای این واژه بیان شده، به تجاوز از حد بازگشت می‌کند. به عبارت دیگر هریک از کاربردهای این واژه متناسب با تجاوز از حد است (رجائی و خطیبی، ۱۳۹۲، ص ۳۱). تبذیر نیز در اصل به معنای پاشیدن بذر است؛ ولی به نحو استعاره به معنای پراکنده ساختن بدون جهت مال نیز به کار رفته است. در آیات شریفه قرآن مسرفین به اصحاب دوزخ «أَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ» (غافر: ۴۳)، عدم دوستی خداوند با آنان «وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (انعام: ۱۴۱) و عدم هدایت آنان «إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ» (غافر: ۲۸) معرفی شده‌اند، امری که نشان می‌دهد اسراف مورد نهی شارع مقدس و غضب اوست.

تأکید پژوهش حاضر بر این است که دولتمردان کشورهای اسلامی باید به بهترین نحو از این اموال عمومی بهره‌برداری کنند و نباید اسراف در زمینه منابع نفتی و امثال آن که از منابع بیت‌المال محسوب می‌شوند، صورت گیرد. وجود مبارک امام علیؑ در زمینه لزوم توجه جدی به بیت‌المال و صرف نکردن آن در موارد غیر ضرور و بیهوده، می‌فرماید: قلم‌های خود را ریز بتراشید و فاصله سطرها را کمتر کنید و جملات اضافی را حذف کنید و اصل مطلب را به عبارت مختصر بنویسید و مبدا قلم‌فرسایی کنید که به بودجه ملت مسلمان نباید زیانی متوجه شود: «أَدِقُّوا أَقْلَامَكُمْ وَ قَارِبُوا بَيْنَ سَطُورِكُمْ وَ إِحْدِفُوا عَنِّي فُضُولَكُمْ وَ إِقْصِدُوا قَصْدَ الْمَعَانِي وَ إِيَّاكُمْ وَ الْإِكْثَارَ فَإِنَّ أَمْوَالَ الْمُسْلِمِينَ لَا تَحْتَمِلُ الْأَضْرَارَ» (صدوق، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۳۱۰؛ حرعالملی، ۱۳۸۴، ج ۱۷، ص ۴۰۴). البته توجه به این نکته ضروری به نظر می‌رسد که استفاده از تکنولوژی و علوم در عدم اسراف، بسیار نقش مؤثری دارند و می‌توانند در ارتقای سطح مطلوب توسعه و رفاه کمک‌های قابل توجهی انجام دهند.

پژوهش از آنها یاد شده است و در نهایت احیاناً اگر به دلیل برخی شرایط، پدیده فقر و نابرابری توزیع ثروت در جامعه اسلامی رخ داد، برای این شرایط نیز آموزه‌های اسلامی تمهیداتی را اندیشیده و توصیه‌هایی را ارائه کرده است که در این تحقیق با عنوان پارامترهای اصلاحی از آنها یاد شده است.

پارامترهای احتیاطی پیشنهادی نظام اقتصادی اسلام در دو دسته قرار می‌گیرند: دسته اول مشتمل بر تقویت باورهای دینی مؤمنان از طریق آیات و روایات مختلف، خصوصاً در زمینه باب معاد می‌شود. دسته دوم پارامترهایی دارای بار سلبی و پیش‌گیرانه هستند. درحقیقت این پارامتر قبل از اقدامات تأسیسی و اصلاحی در جهت رفع فقر و توزیع عادلانه ثروت مورد نظر شارع قرار گرفته است. باین حال اگر پارامترهای احتیاطی نظام اقتصاد اسلامی مورد توجه قرار نگیرد و تا حدی فقر و نابرابری ثروت در جامعه اسلامی وجود داشته باشد که باید تا حد ممکن اصلاح شود، نوبت به اقدامات تأسیسی و اصلاحی می‌رسد.

۱-۳. تقویت باورهای دینی

در اسلام همان گونه که اصل فقر مورد پذیرش قرار نگرفته و فقر در هر سطحی باید از جامعه رفع گردد؛ برای ثروت‌ها نیز سقف مشخصی قرار داده نشده است، چراکه با توجه امکان رشد و افزایش ثروت کلی جامعه و ترقی سطح رفاه عمومی، برای افراد نیز این افزایش پدید می‌آید و اصولاً اسلام به کار و کوشش و کسب درآمد و افزایش ثروت به منظور تأمین اهداف اقتصاد اسلامی تشویق کرده است. قرار دادن سقف و تعیین حداکثر برای ثروت‌ها، با برخی از این اهداف از جمله رشد و توسعه منافات دارد (هاشمی و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۴۱۶). در این میان اگرچه خداوند برای افزایش ثروت کلی جامعه و ترقی سطح رفاه عمومی حد و مرزی قائل نشده است؛ اما به صورت غیرمستقیم و از طریق افزایش انگیزه‌های دینی افراد جامعه، مؤمنان را از انباشته شدن ثروت در دست عده‌ای محدود از افراد جامعه و فراموش شدن فقیران و مسکینان جامعه برحذر می‌دارد.

در حقیقت، اقتصاد اسلامی برخاسته از نظام ارزشی خاصی است که از وحی سرچشمه می‌گیرد و معیار اصلی و محور اساسی آن را عدالت تشکیل می‌دهد. همان گونه که توحید در تمام اعتقادات دینی و اخلاقی مسلمانان ریشه دارد، عدالت نیز در بین دستوره‌های زندگی مسلمانان، بعد از اعتقاد به یگانگی خداوند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار

۳-۱-۳. منع از مصارف تجملی

کالاها و خدمات در دسته‌های متفاوتی تقسیم‌بندی می‌شوند؛ در یکی از این تقسیم‌بندی‌ها اقتصاددانان کالاها را به ضروری و تجملی دسته‌بندی می‌کنند. کالاهای ضروری به آنهایی اطلاق می‌شود که نیازهای واقعی و اساسی را برطرف می‌کنند؛ اما کالاهای تجملی و یا لوکس آنهایی هستند که نیازهای غیراساسی را مرتفع می‌سازند. به عبارت دیگر کالاهای لوکس به کالاهایی گفته می‌شود که از اندازه و میزان برطرف کردن نیاز فراتر رفته باشند و بیشتر حالتی برای نشان دادن خود و به رخ کشیدن پول، ثروت و سرمایه شخص به دیگران باشند (سان، ۲۰۱۸، ص ۵۱۳؛ ویکرز و ریناند، ۲۰۰۳، ص ۴۶۱؛ دادگر و رحمانی، ۱۳۸۱، ص ۵۹؛ سیدین و یاقوتی‌نیت، ۱۳۹۳، ص ۵؛ دربندی، ۱۳۹۴، ص ۸).

در این ارتباط از نظر اسلام به هیچ‌وجه تنگ‌نظری‌های صوفیانه در مصرف کالاها و خدمات قابل قبول نیست و رهبران الهی علاوه بر بیان مخالفت اسلام با چنین سخت‌گیری‌هایی عملاً در مقام مقابله با چنین برداشت‌های نادرست از زهد برآمده‌اند (هاشمی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۴۲۴). در آیات و روایات متعددی به این برداشت‌های نادرست اشاره شده است؛ از امام صادق علیه السلام در همین زمینه روایتی وارد شده که کثرت لباس مؤمن دال بر اسراف نیست: *ابن عمیره از اسحاق بن عمار نقل می‌کند: «به اباعبدالله گفتم: آیا مؤمن باید ده خرقه داشته باشد؟ او گفت: بله. گفتم: بیست؟ او گفت: بله. گفتم: سی؟ فرمود: بلی این اسراف نیست، بلکه اسراف آن است که جامه‌ای که خود به آن نیاز داری را انفاق کنی»* (بحرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۵۳۲). یا در روایتی دیگر از امام سجاده علیه السلام روایت شده است که: *حسین بن محمد از محمد بن محمد از حسن بن علی علیه السلام الوشاء نقل می‌کند که فرمود: «از حضرت رضا علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: علی بن الحسین در تابستان دو لباس می‌پوشید که به پانصد درهم می‌خریدند»* (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۲۰، ص ۷۰۲). درحقیقت از نظر اقتصاد اسلامی فقر در اصل نامطلوب و ثروت مطلوب شمرده شده است. در این رابطه نظر اسلام در خصوص از بین بردن فقر این است که نه تنها فقر مطلق از همه افراد باید زدوده شود؛ بلکه فقر نسبی نیز باید از بین برده شود. غالباً فقری که در روایات مطرح و توصیه به از بین بردن آن شده، فقر نسبی است؛ و این بدین معناست که رفع فقر مطلق بدیهی شمرده شده است

(هاشمی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۱۳۶). به‌علاوه برخی آیات و روایات به صراحت دلالت بر مطلوبیت بهره‌مندی از نعمت‌های الهی دارد و کسانی که این نعمت‌ها را از خود محروم کرده‌اند، سرزنش می‌کند. به‌عنوان نمونه خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: *«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْرَمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَ لَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ»* (مائده: ۸۷)؛ یا در سرزنش کسانی که از نعمت‌های الهی استفاده نمی‌کنند، می‌فرماید: *«قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ»* (اعراف: ۳۲). آنچه که از نظر اقتصاد اسلامی مذموم است، تجمل‌پرستی، افراط در زیبایی و زیباسازی است. ما در روایات مشاهده می‌کنیم که حضرات معصومان علیهم السلام نمایش فقر و بدبختی و عقب‌افتادگی را تقیح کرده و به اظهار این نعمت‌ها توصیه کرده‌اند. امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: *«إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ وَ يُحِبُّ أَنْ يَرَى أَثَرَ نِعْمَتِهِ عَلَى عَبْدِهِ»* (قمی‌مشهدی، ۱۳۶۷، ج ۵، ص ۶۲). اما آنچه که از بررسی تقاضاکنندگان این نوع کالاها مشخص می‌شود این است که تقاضای آنها تجمل‌پرستی و برای اظهار برتری بر دیگران و دال بر پیدایش روحیه استکباری در آنان است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روایتی پیدایش روحیه استکباری در این افراد را مانع از داخل شدن آنها در بهشت دانسته و ضمناً به دفع شبهه از بعضی اصحاب که گمان می‌کردند داشتن لباس آراسته و کفش مناسب از مصادیق روحیه استکباری است، پرداخته و فرمودند: کسی که در قلبش به اندازه ذره‌ای کبر وجود داشته باشد وارد بهشت نمی‌شود. به پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کردند: برخی از ما دوست دارد تا لباس نیکو و کفش آراسته‌ای بپوشد؛ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد؛ اما کبر رد کردن حق و تحقیر انسان هاست: *«لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ مَنْ فِي قَلْبِهِ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ مِنَ الْكِبْرِ فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ أَحَدَنَا يُحِبُّ أَنْ يَكُونَ تَوْبُهُ حَسَنًا وَ نَعْلُهُ حَسَنًا فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ وَ لَكِنَّ الْكِبْرَ بَطْرُ الْحَقِّ وَ غَمْضُ النَّاسِ»* (ابن‌ابی‌جمهور، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۴۳۶). بنابراین آنچه مفاد این روایت دلالت بر آن دارد پیدایش روحیه استکباری هنگامی در شخص ظاهر می‌شود که فرد به‌وسیله وسایل آراسته‌ای که در اختیار دارد، دیگران را فراموش کند. حضرت در این روایت ذره‌ای وجود این روحیه در شخص را مانع از ورود او به بهشت دانسته‌اند. نظام اقتصاد اسلامی درعین حال که استفاده از همه

دقیقاً در مقابل نظریه عدالت اسلامی قرار می‌گیرد؛ چراکه در این حالت نه تنها حد کفاف زندگی برای فقرا تأمین نمی‌شود؛ بلکه موجب انباشته شدن ثروت در دست اغنیاء نیز می‌گردد.

۳-۲-۱. اختیار قانون‌گذاری در قلمرو شریعت اسلامی

انسان در مجموعه روابط خویش با خالق هستی، با طبیعت، با انسان‌های دیگر و با خودش، نیازهای گوناگونی را جست‌وجو می‌کند. برخی از این نیازها ثابت و دائمی و برخی دیگر متغیر هستند و در بستر تحولاتی که در زندگی انسان رخ می‌دهد به‌وجود می‌آیند. به‌عنوان مثال نیاز انسان به ازدواج و تولید نسل و ضمانت و تأمین زندگی از احتیاجات همیشگی اوست؛ ولی نیاز انسان معاصر بر اینکه هنگام رانندگی از سمت راست خیابان حرکت کند و هنگام روشن شدن چراغ قرمز توقف کند، از احتیاجات متغیر او محسوب می‌شود؛ چراکه در دورانی که رفت و آمد و حمل و نقل با ماشین انجام نمی‌گرفت، هیچ‌گاه جامعه انسانی چنین نیازی را احساس نمی‌کرد. براساس این واقعیت، احکام و قوانینی که به‌منظور رفع کلیه این نیازها وضع می‌شوند، باید برخی از آنها ثابت و برخی دیگر متغیر باشند؛ زیرا نیازهای ثابت و همیشگی، احکام و قوانین دائمی می‌طلبند و با توجه به اینکه هیچ‌گاه در ساحت این نوع نیازها دگرگونی راه ندارد؛ احکامی هم که کیفیت اشباع آنها را بیان می‌کند نباید متغیر و زوال‌ناپذیر وضع شوند.

همچنین نیازهای متغیر را با احکام ثابت و لایتنیغیر نمی‌توان پاسخ داد؛ بلکه باید متناسب با این نیازها قوانین متغیر و موقت در نظر گرفت. در نتیجه یک سلسله از احکام اسلام ثابت و دائمی هستند و هیچ فردی نمی‌تواند تغییر و دگرگونی در آنها به‌وجود آورد و بالطبع هرگاه این مصالح منتفی شوند، احکام موضوعه هم بدون مورد خواهند بود (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۱، ص ۴۹۰). اما در باب قوانین متغیر و موقت این اجازه به حاکم اسلامی داده شده تا احکامی را در باب مباحات وضع کند. وضع احکام در این مواردی که حکم مشخصی از جانب شرع وارد نشده به‌عنوان منطقه الفراغ شناخته می‌شود که اولین بار توسط شهید صدر در کتاب *اقتصادنا* ارائه گردید (صدر، ۱۴۰۸ق، ص ۴۴۴).

براین اساس استدلال پژوهش حاضر مبنی بر این نکته است که ولی امر مسلمین و کارگزاران ایشان از این اختیار برخوردارند تا در

چیزهایی را که از جانب شرع حرام نشده، مجاز می‌داند؛ به‌سبب مصالحی دیگر، از جمله رفع فقر و توزیع عادلانه ثروت در جامعه اسلامی، محدودیت‌هایی در مصرف قرار داده است؛ حال چه این مصارف به حد اسراف و تبذیر رسیده باشد و چه نرسیده باشد.

۳-۲. پارامترهای تأسیسی نظام اقتصادی اسلام

عدالت در نظریه اسلامی زمانی محقق خواهد شد که حد کفاف زندگی برای فقرا فراهم شود و از انباشته شدن ثروت در دست اغنیاء جلوگیری شود (هاشمی و همکاران، ۱۳۹۷؛ رجائی و معلمی، ۱۳۹۴؛ معلمی، ۱۳۹۰). شکی نیست که اسلام در باب رفع فقر، نه تنها به رفع مطلق فقر توصیه می‌کند؛ بلکه رفع فقر نسبی را نیز از وظایف حکومت اسلامی می‌داند. به این معنا که فقیر تنها شامل کسانی نمی‌شود که به نان شب محتاج هستند؛ بلکه اگر کسانی نیاز به مسکن، ابزار کار و یا وسیله نقلیه سواری داشته باشند، ولی نتوانند با کسب و کار خود آنها را تهیه کنند؛ چنین افرادی نیز در رویکرد اسلامی از جمله فقرا محسوب می‌شوند. در این زمینه در روایتی *اسماعیل بن عبدالعزیز* از پدرش نقل می‌کند که از وجود مبارک امام صادق ع سؤال می‌کند: «ما دوستی داریم که ارزش خانه او چهار هزار درهم است و غلام و کنیزی دارد؛ آیا می‌تواند از زکات استفاده کند؟ حضرت فرمودند، آری می‌تواند از آنها استفاده کند. و حضرت در ادامه می‌فرمایند نمی‌توان به چنین شخصی امر کرد که خانه و کنیز و غلام خویش را بفروشد؛ که این مورد باعث حفظ آبروی این فرد هستند؛ بلکه این شخص می‌تواند از زکات استفاده کند و خانه و غلام و شتر خویش را نباید بفروشد» (حرعاملی، ۱۳۸۴، ج ۹، ص ۳۲۶؛ کلینی، ۱۳۴۲، ج ۳، ص ۵۲۶؛ مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۹۳، ص ۶۰).

بنابراین آنچه در اینجا به‌روشنی از دیدگاه اسلامی قابل استخراج است، اینکه کالاها و خدماتی که مورد تقاضای داخلی است، در صورتی که در داخل وجود داشته باشد، می‌توان آنها را به فقیر به‌عنوان زکات تحویل داد؛ اما این موضوع مشروط بر این است که احکام شرعی متناسب با مقتضیات جامعه اسلامی وجود داشته باشد، تا بتوان آن را به‌عنوان زکات داد. در مواردی که احکام شرعی به درستی به کارگزاران حکومتی ابلاغ نشده، یا اینکه اصلاً قوانینی در این زمینه وجود نداشته باشد؛ نه تنها حقوق عامه مردم که از سطح زندگی متوسطی برخوردار هستند پامال می‌شود؛ بلکه فقرای جامعه نیز نمی‌توانند به خواسته‌های خود دستیابی داشته باشند؛ امری که

شبهات‌های فراوانی با مالیات دارند. البته برخی به‌صورت وجوبی و برخی به‌صورت مستحبی انجام می‌گیرد. پرداخت کفارات مالی، نذورات مالی، شبه‌مالیات‌های واجب هستند؛ اما صدقه، اطعام، بخشش، دین، وقف، هبه، هدیه و غیره مستحب هستند (هاشمی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۳۸۳).

۳-۳. پارامترهای اصلاحی نظام اقتصادی اسلام

عدالت اجتماعی در بعد اقتصادی از نظر اسلام با تأمین زندگی متوسط اجتماعی برای فقرا و جلوگیری از انباشته‌شدن بیش از حد ثروت در دست اغنیاء تحقق می‌یابد، قرآن کریم در این ارتباط می‌فرماید: آنچه را خداوند از اهل این آبادی‌ها به رسولش بازگرداند، از آن خدا و رسول و خویشاوندان او، و یتیمان و مستمندان و در راه ماندگان است؛ تا (این اموال عظیم) در میان ثروتمندان شما دست به‌دست نگردد (حشر: ۷)؛ «ما أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَى وَ الْأَيْمَى وَ الْمَسْكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ كَى لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ»، در بعد رفع فقر توجه به این نکته ضروری است که اسلام معتقد است فقر باید در هر حدی از افراد برطرف شود و همه از زندگی آبرومندانه و بدون تنگنا برخوردار شوند. بدین‌گونه اسلام مفهوم و معنای ثابتی برای همه شرایط و اوضاع به فقر نداده است؛ مثلاً نمی‌گوید فقر ناتوانی از اشباع ساده نیازهای اساسی است؛ بلکه فقر را به معنای ملحق نشدن به سطح زندگی مردم می‌داند؛ به‌طوری‌که هرچه سطح زندگی مردم بالا رود، خط فقر نیز تغییر می‌کند.

براین‌اساس نظام اقتصادی اسلام در مرحله پارامترهای تأسیسی خود در جهت رفع فقر و توزیع و تولید عادلانه ثروت اقدام به وضع مالیات‌هایی کرده است که اجرای صحیح و دقیق آنها توسط کارگزاران حکومتی توزیع عادلانه ثروت و رفع فقر را تضمین می‌کند.

۳-۳-۱. مالیات‌های اسلامی

۱-۳-۳. زکات و خمس

زکات در اصطلاح عبارت است از صدقه‌ای که به اصل شرع (و نه با نذر و قسم) واجب شده است. زکات به حقی واجب در مال که رسیدن آن به حد نصاب، شرط وجوب آن است؛ صدقه‌ای که در اصل به نصاب تعلق گرفته؛ قدر معین ثابت در مال یا در ذمه برای

جهت حفظ و تقویت عادلانه توزیع ثروت و هم به‌جهت رفع فقر مواردی را به‌عنوان حکم شرعی تصویب کرده و پیروی از آن را بر همه افراد جامعه الزامی کنند. نمونه‌های از این دسته نیز در روایات فراوانی به آن اشاره شده است. مواردی هم که حکم مشخصی از جانب الهی برای آن وجود نداشته، لکن ولی امر مسلمین یا کسانی که از طرف ایشان منصوب بوده‌اند، اقدام به تأسیس حکم شرعی در جهت حفظ منافع مسلمین کرده‌اند (به‌عنوان نمونه استفاده از تنباکو منعی از طرف شارع بر آن وارد نشده است؛ اما آیت‌الله شیرازی بر مبنای همین حقی که از آن بحث گردید، در برهه‌ای از زمان این حق استفاده برای افراد جامعه را تحریم کردند).

۲-۲-۳. مالیات‌های وضع‌شده توسط حاکم اسلامی

با توجه به گسترش وظایف دولت‌ها در رفع فقر و ایجاد توزیع عادلانه ثروت عمومی و از طرف دیگر عدم تکافوی مالیات‌های واجب و مستحب، در این زمینه حاکم اسلامی بر مبنای ولایت امری که دارد و می‌توان آن را از سوره مبارکه «نساء» آیه ۵۹: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ» استفاده کرد و یا با استفاده از وجوب کفای در این زمینه می‌توان گفت حاکم اسلامی به‌جهت تأمین این اهداف، مالیات‌هایی را در جهت رفع فقر و باز توزیع عادلانه ثروت وضع گرداند.

به‌عبارت دیگر این‌گونه مالیات‌ها، ابزاری است که در شرایط مختلف به حاکم اجازه می‌دهد تا با استفاده از آن، مشکلات جامعه اسلامی برطرف گردد و در مواردی که هماهنگ و همسو با حرکت نظام اسلامی است به‌کار گرفته شود (لشکری، ۱۳۸۰، ص ۲۲۷). این مالیات‌ها که تحت عنوان مالیات‌های حکومتی نام برده می‌شود، بسیار محدود بوده و سهم ناچیزی را در بر می‌گیرد. اخذ مالیات‌هایی تحت عنوان زکات مال‌التجاره در زمان پیامبر ﷺ و برخی خلفا، وضع مالیات بر اسب‌ها در زمان حضرت علی ﷺ و غیره از جمله مالیات‌های حکومتی هستند (غفاری، ۱۳۸۶، ص ۱۲۴). در اسلام پرداخت‌های مالی دیگری نیز وجود دارد که جنبه مالیاتی ندارند؛ به این معنا که یا به‌طور معمول به‌وسیله دولت دریافت و هزینه نمی‌شوند و یا پرداخت‌هایی هستند که براساس الزام و قانون انجام نمی‌گیرد. بنابراین یکی از دو مشخصه اساسی که مالیات‌ها دارند در این‌گونه پرداخت‌ها وجود ندارد؛ ولی درعین حال از نظر عملکرد و نتیجه،

پس منادی دستور داد: ای مسلمانان زکات مال خود را بپردازید تا وسیله‌ای برای قبولی نمازتان شود» (حرعاملی، ۱۳۸۴، ج ۹، ص ۹).

آنچه از نصاب زکات و خمس به دست می‌آید، تأکید نظام اقتصاد اسلامی بر برخورداری مسلمین از حد متوسط زندگی است؛ و نشان می‌دهد که قبل از این نصاب، شخص ملزم به پرداخت خمس و زکات نیست. در حقیقت نظام اقتصاد اسلامی برای همه افراد مسلمان سطح متوسطی از زندگی را لازم می‌داند و کمتر از آن را ملزم به پرداخت انفاق‌های واجب نمی‌داند. این حد متوسط زندگی با بررسی نصابی از خمس و زکات در احکام دینی مشخص می‌شود، که مشمول پرداخت انفاق‌های واجب نیست. به علاوه نکته‌ای دیگر که از بیان این حد نصاب در باب خمس و زکات به دست می‌آید، در مورد افرادی است که از ثروت بیشتری برخوردار هستند که در نتیجه خمس و زکات بیشتری نیز باید پرداخت کنند؛ در نتیجه نه تنها ثروت در دست عده‌ای محدود گردش نمی‌کند؛ بلکه زمینه رفع فقر با افزایش وصول خمس و زکات از این افراد نیز فراهم می‌گردد. نکته سوم در باب این حد نصاب، عدم پرداخت تصاعدی این انفاق‌ها از جانب مؤدیان است که می‌تواند دلالتی بر این نکته باشد که نظام اقتصادی اسلام قصد ندارد به گونه‌ای از مؤدیان خمس و زکات وصول کند که انگیزه فعالیت اقتصادی از آنان سلب گردد.

موارد مصرف زکات و خمس نشان می‌دهد هدف اصلی موارد مصرف آنها رفع فقر است. پنج مورد از هشت صنفی که مستحق زکات هستند به گونه‌ای مرتبط با فقر هستند. این صنوف شامل ۱. فقرا؛ ۲. مساکین؛ ۳. بردگان؛ ۴. بدهکاران؛ ۵. در راه مانده (ابن سبیل) می‌گردد. سه صنف باقی مانده نیز شامل: ۶. کارگران؛ ۷. فی سبیل الله؛ ۸. مؤلفه القلوب: «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» می‌گردد. در این میان کارگران به جهت خدمتی که در توزیع زکات انجام می‌دهند، مستحق زکات هستند.

۱-۲-۳-۱-۲-۳ جزیه و خراج

خراج در دین اسلام نوعی از مالیات به شمار می‌رود که بر زمین و همچنین سالانه به مقدار معینی از محصولات کشاورزی یا مقداری از اموال مسلمانان شامل می‌شود (ابوعبید، ۱۴۰۸ق، ص ۹۲). جزیه نیز مالیاتی است که از اهل کتاب (زردتشتیان، یهودیان و مسیحیان)

حصول پاکی و رشد آن و اخراج بعض مال برای زیادت و نمو باقی مانده آن نیز تعریف شده است (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۱۵، ص ۳-۲). البته اختلاف در تعبیر ناشی از اختلاف در معنای شرعی زکات نیست و رویکرد همه تعریف‌های یادشده به نوعی به کشف اجمالی معنای شرعی زکات بازمی‌گردد. در حقیقت زکات و خمس به عنوان انفاق واجب و پرداخت صدقه، اطعام و هبه به عنوان انفاق مستحب، نه تنها می‌توانند برخی احتیاجات ضروری نیازمندان را برطرف گردانند؛ بلکه به عنوان ابزاری اصلاحی می‌توانند از بروز بی‌عدالتی‌ها در توزیع ثروت و ایجاد فقر برای برخی افراد جامعه اسلامی جلوگیری کنند.

زکات به دو قسم؛ زکات مال و زکات بدن که از آن به زکات فطره نیز تعبیر کرده‌اند، تقسیم شده است. کاربرد زکات در رفع فقر و توزیع عادلانه ثروت نوع نخست آن است؛ اگرچه نوع دوم زکات نیز می‌تواند از این ویژگی‌ها برخوردار باشد. ضرورت و اهمیت فریضه زکات در آیات متعددی از قرآن کریم به آن اشاره شده است. در برخی از آیات به همراه نماز به آن امر شده است: «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ» (بقره: ۴۳)، «وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَاقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَأَنْتُمْ مُّعْرِضُونَ» (بقره: ۸۳)، «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَ مَا تَقَدَّمُوا لَأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ إِنْ أَلَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (بقره: ۱۱۰).

و در آیاتی دیگر، پرداخت آن در ردیف اقامه نماز از ویژگی‌های مؤمنان شمرده شده است: «لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا» (بقره: ۱۷۷)؛ «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَآتَوُا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (بقره: ۲۷۷). چنان که در روایات بسیاری به اهمیت، آثار و احکام آن اشاره شده است: محمد بن علی بن الحسین بن بابویه به سندش از حسن بن محبوب از عبدالله بن سنان نقل می‌کند: آیه زکات در ماه رمضان نازل شد: که فرمود: «از اموالشان صدقه بگیرید تا آنها را پاک و پاکیزه کنید» در ماه رمضان، رسول خدا ﷺ دستور داده و در میان مردم ندا داد که خداوند تبارک و تعالی شما را به زکات امر کرده است، همان گونه که شما را به نماز امر کرده تا اینکه فرمود: پس چیزی از اموال آنها را عرضه نکرد، تا اینکه روزه گرفتند و افطار کردند،

این حق با آنچه در سایر نظام‌های اقتصادی وجود دارد، تا حدودی متفاوت است. در نظام‌های اقتصادی مادی، تنها یک راه برای کسب حق «ثروت» وجود دارد و آن مشارکت مستقیم در فرایند تولید است. به عبارت دیگر، تنها عواملی که مستقیماً در تولید ثروت مشارکت داشته‌اند، قرار است در «ثروت» سهم داشته باشند و هیچ‌کس دیگری حق بهره‌مندی از چنین حقی را ندارد. در مقابل، اصل اساسی اسلام در این زمینه این است که «ثروت» اساساً متعلق به خداوند است و او به‌تنهایی می‌تواند احکام استفاده از آن را وضع کند. پس از نظر اسلام، نه تنها کسانی که مستقیماً در تولید ثروت مشارکت داشته‌اند؛ بلکه کسانی که خداوند کمک به آنها را بر دیگران واجب کرده، شریک مشروع در مال هستند. از این رو فقرا، درمانده‌ها، نیازمندان و تهیدستان نیز حق ثروت دارند و توجه به توزیع عادلانه ثروت می‌تواند این افراد را نیز بهره‌مند گرداند؛ چراکه خداوند بر همه ثروتمندانی که ثروت در وهله اول بین آنها تقسیم شده، واجب کرده است که مقداری از دارایی خود را به این افراد اختصاص دهند. قرآن کریم در این ارتباط تصریح می‌کند که با این کار نباید به‌هیچ وجه بر فقیر و مستمند منت بگذارند؛ زیرا فقط وظیفه خود را ادا می‌کنند، و مستمندان و فقیران حق دارند از مال آنان بهره‌مند شوند: «وَ الَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ» و آنان که در اموالشان حقی معلوم است برای درخواست‌کننده [تهیدست] و محروم [از معیشت و ثروت] (معراج: ۲۴-۲۵).

به‌علاوه توزیع عادلانه ثروت در اسلام می‌تواند به‌جای اینکه موجب شود ثروت در دستان معدودی متمرکز شود، باعث گردد هرچه بیشتر ثروت در جامعه بچرخد تا تمایز فاحشی میان ثروتمندان و فقرا ایجاد نشود: «مَا آفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَى وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسْكِينِ وَ إِنْ أَسْبَغَ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ» (حشر: ۵۹)؛ آنچه خدا از [اموال و زمین‌های] اهل آن آبادی‌ها به پیامبرش بازگرداند، اختصاص به خدا و پیامبر و اهل بیت پیامبر و یتیمان و مستمندان و در راه ماندگان دارد؛ تا میان ثروتمندان شما دست به‌دست نگردد. دیدگاه اسلام در ارتباط با مزیت‌های این توزیع عادلانه این است که به‌هیچ فرد یا گروهی اجازه انحصار منابع اولیه ثروت را ندهد؛ بلکه به‌هریک از افراد جامعه حق مساوی برای بهره‌مندی عطا کرده است. معادن، جنگل‌ها، زمین‌های بایر غیرمالک، شکار و ماهی‌گیری، رودخانه‌ها،

ساکن سرزمین‌های اسلامی دریافت می‌شود. طبق قراردادی که با اهل کتاب منعقد می‌گردد حکومت اسلامی، امنیت جانی، مالی و عرضی آنها را برعهده می‌گیرد و در مقابل، آنان نیز موظف به پرداخت مالیات ویژه‌ای به‌نام «جزیه» می‌گردند. براساس عقد ذمه، شخص اهل کتاب به تابعیت کشور اسلامی در می‌آید و در تحت حاکمیت اسلام مانند سایر مسلمانان از عمده‌ترین حقوق شهروندی برخوردار می‌شود (شاهرویدی، ۱۴۲۶ق، ج ۴۵، ص ۲۰۸).

جزیه و خراج نیز در اختیار حکومت اسلامی و از منابع دولت اسلامی است که در راهی که مصلحت ببیند می‌تواند آنها را مصرف کند. یکی از راه‌های این مصرف نیز می‌تواند کمک به فقیران و مسکینان جامعه اسلامی در راستای رفع فقر از جامعه باشد.

۴. مزیت‌های توزیع عادلانه ثروت و رفع فقر

توزیع عادلانه ثروت و کمک به بهبود توزیع و تولید آن، دارای مزیت‌های متعددی است که در تحقیقات به آن اشاره شده است. تحقیقات متعددی در این زمینه نشان می‌دهد که توزیع عادلانه ثروت و رفع فقر می‌تواند به بهبود تشخیص چگونگی شکل‌گیری طبقات اجتماعی کمک کند (چاول و هرتانگ، ۲۰۱۶؛ اسکویپک، ۲۰۱۵؛ سیمینو و لوین‌اشتاین، ۲۰۱۳) به‌علاوه امکان درک بهتر ابعاد مختلف نابرابری‌های اقتصادی در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی را فراهم کرده و می‌تواند به کمک تصمیم‌گیران اقتصادی بیاید (فیشر و همکاران، ۲۰۱۶؛ یانتی و همکاران، ۲۰۱۵؛ همو، ۲۰۰۸).

بررسی آیات و روایات مرتبط با فقر و غنا نیز نشان می‌دهد اسلام با فقر به‌عنوان یک شر اجتماعی رفتار می‌کند؛ چراکه فقر می‌تواند وضعیت اجتماعی انسان در برابر خداوند را از طریق کفر تضعیف کند و مشکلات اجتماعی فراوانی را به‌وجود آورد و ملت‌های فقیر را در موقعیتی ضعیف در برابر دشمنان داخلی و خارجی آنها قرار دهد. به‌علاوه می‌تواند بر انجام تعهدات مذهبی فرد مسلمان در قبال برادران دینی خود و اسلام تأثیر گذارد. اهمیت توجه به این مقوله تا اندازه‌ای است که امام صادق علیه السلام از آن به خداوند پناه می‌برد: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَ مِنَ وَسْوَاسِ الصُّدُورِ وَ مِنَ شَتَاتِ الْأَمْرِ وَ مِنَ عَذَابِ الْقَبْرِ» (طوسی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۶۸۷).

درحقیقت توزیع عادلانه ثروت در جامعه اسلامی باعث می‌شود تا هرکسی بتواند به حق خود برسد. اما در اسلام مفهوم و ضوابط

اسلام در راستای رفع فقر و توزیع عادلانه ثروت، صرفاً مرتبط با حوزه اقتصادی نیست؛ بلکه متغیرهای فرهنگی نیز در این زمینه از نقش اساسی برخوردار هستند.

منابع

- نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، تصحیح صبحی صالح، قم، هجرت.
- ابن‌ابی‌جمهور، محمدبن زین‌الدین، ۱۴۰۳ق، *عوالی اللئالی العزیزیه فی الاحادیث الدینییه*، تحقیق مجتبی عراقی، قم، سیدالشهدا.
- ابوعبید، القاسم بن سلام، ۱۴۰۸ق، *کتاب الاموال*، تحقیق خلیل محمد هراس، بیروت، دارالفکر.
- امامی، محمد، ۱۳۸۹، *بازار مسلمانان: آداب و مقررات*، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان، ۱۴۱۵ق، *البرهان فی تفسیر القرآن*، قم، مؤسسه بعثت.
- حرعاملی، محمد بن حسن، ۱۳۸۴، *تفصیل وسائل الشیعه*، تحقیق محمدرضا حسینی جلالی، چ ششم، قم، مؤسسه آل‌البتیة لاهیات التراث.
- دادگر، یدالله و تیمور رحمانی، ۱۳۸۱، *مبانی و اصول علم اقتصاد کلیاتی از اقتصاد برای همه*، چ دوم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- دربندی، سیدعلیرضا، ۱۳۹۴، «بررسی میزان تأثیر مدرکایی در خرید برند کالاهای لوکس توسط مصرف‌کنندگان مطالعه موردی برند کالای زارا»، در: *ششمین کنفرانس بین‌المللی اقتصاد مدیریت و علوم مهندسی*، بلژیک.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۶ق، *مفردات الفاظ القرآن*، تحقیق صفوان عدنان داوودی، بیروت، دارالقلم.
- رجائی، سیدمحمدکاظم و سیدمهدی معلمی، ۱۳۹۴، *درآمدی بر مفهوم عدالت اقتصادی و شاخص‌های آن*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- رجائی، سیدمحمدکاظم و مهدی خطیبی، ۱۳۹۲، *شاخص اسراف و معیارهای آن*، قم، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.
- سیدین، سیدسلیمان و محمدرضا یاقوتی‌نیت، ۱۳۹۳، «نقش و ماهیت رفتار مصرف‌کنندگان کالا و تأثیر مشتری‌مداری فروشندگان در خرید قطعی محصولات و وفاداری افراد به برند»، در: *کنفرانس بین‌المللی حسابداری و مدیریت*، تهران.
- صدر، سیدمحمدباقر، ۱۴۰۸ق، *اقتصادنا*، چ بیستم، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
- صدوق، محمد بن علی، ۱۳۶۶، *خصال*، ترجمه محمدباقر کمره‌ای، تهران، اسلامیه.
- طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۱۱ق، *مصباح المتجهد و سلاح المتعبد*، تهران، المکتبه الاسلامیه للنشر و التوزیع.
- غفاری، هادی، ۱۳۸۶، *نظام اقتصادی صدر اسلام*، تهران، دانشگاه پیام نور.

دریابا، غنایم جنگی، همه اینها منابع اولیه ثروت هستند و هر فردی حق دارد از آنها براساس توانایی و کار خود استفاده کند؛ بدون اینکه کسی اجازه داشته باشد که بر آنها انحصاری داشته باشد: «ما أفاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَى وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسَاكِينِ وَ إِنْ أَسْبَبَلْ كَى لَا يَكُونَ ذَوْلَةٌ بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَ مَا آتَاكُمْ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (حشر: ۷)؛ آنچه خدا از [اموال و زمین‌های] اهل آن آبادی‌ها به پیامبرش بازگرداند، اختصاص به خدا و پیامبر و اهل بیت پیامبر و یتیمان و مستمندان و در راهماندگان دارد، تا میان ثروتمندان شما دست به‌دست نگردد. و [از اموال و احکام و معارف دینی] آنچه را پیامبر به شما عطا کرد، بپذیرید و از آنچه شما را نهی کرد، باز ایستید و از خدا پروا کنید؛ زیرا خدا سخت کیفر است.

نتیجه‌گیری

هدف این مقاله به‌بررسی پارامترهای پیشنهادی نظام اسلامی در راستای ریشه‌کنی فقر و تولید و توزیع عادلانه ثروت اختصاص داشت. به‌منظور نیل به این هدف، تمامی کتب حدیثی شیعه و قرآن کریم که در ارتباط با مسئله فقر و توزیع عادلانه ثروت بود، جمع‌آوری و مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت. در این ارتباط صرفاً به احادیث و آیاتی که لفظ فقر و ثروت در آنها بود، اکتفا نشده و احادیث و آیاتی که به‌نحوی دال بر فقر و ثروت بودند، جمع‌آوری گردید. بعد از جمع‌آوری آیات و روایات متعدد در این زمینه و ترجمه و تفسیر آنها، مواردی که دلالت واضحی بر مسئله نداشتند، حذف گردیدند و سایر آیات و روایات در سه دسته پارامترهای احتیاطی، اصلاحی و تأسیسی دسته‌بندی شدند. بدین منظور در ابتدا به مفهوم‌شناسی فقر و غنا در ادبیات متعارف توجه گردید. رجوع به ادبیات اقتصاد متعارف حاکی از آشفتگی گسترده‌ای در ابتدایی‌ترین مسائل این علم را نشان می‌داد؛ به‌گونه‌ای که هیچ‌گونه شاخصی برای اندازه‌گیری جوامع فقیر و غنی در این ادبیات یافت نمی‌شد و این موضوع در حالی بود که رجوع به ادبیات اسلامی نشان از ترتیب و تنظیم این معانی و مشخص بودن شاخص‌های آنها داشت. در ادامه به‌بررسی مزیت‌های توزیع عادلانه ثروت و رفع فقر در چارچوب ادبیات اقتصاد اسلامی و اقتصاد متعارف اشاره شد و بیان گردید که نحوه تأثیرگذاری پارامترهای پیشنهادی نظام اقتصادی

- Rowntree, B. S., 1988, *Poverty: A study of town life*, New York, Thomas Nelson, Temple University.
- Semyonov, M., & Lewin-Epstein, N., 2013, "Ways to richness: Determination of household wealth in 16 countries", *European Sociological Review*, N. 29(6), p. 1134-1148.
- Sen, A., 1977, "Rational fools: A critique of the behavioral foundations of economic theory", *Journal of Philosophy and Public Affairs*, N. 6(4), p. 317-44.
- Sen, A., 1987, "Rational behavior", in J. Eatwell, & et al. (eds.), *The New Palgrave, A dictionary of economics*, New York, The Macmillan.
- Simon, H. A., 1990, "Bounded rationality", in *Utility and probability*, London, Palgrave Macmillan.
- Skopek, N., 2015, *Wealth as a distinct dimension of social inequality*, Bamberg, Germany, University of Bamberg Press.
- Sun, D., 2018, "Literature review on importing tax policy of China's luxury goods", *Journal of Modern Economy*, N. 9(3), p. 510-527.
- Tussing, A. D., 1991, *The Encyclopedia Americana*, Connecticut Grolier Incorporated.
- Vickers, J. S., Renand, F., 2003, "The marketing of luxury goods: An exploratory study three conceptual dimensions", *The Marketing Review*, N. 3(4), p. 459-478.
- Wolff, E. N., 2016, "Household wealth trends in the United States, 1962 to 2013: What happened over the Great Recession?", *The Russell Sage Foundation Journal of the Social Sciences*, N. 2(6), p. 24-43.
- World Food Programme, 2019, *Food security and nutrition in the world*.
- فیض کاشانی، ملامحسن، ۱۴۰۶ق، *الواقی*، تعلیق و تحقیق ضیاءالدین، تصحیح کمال فقیه ایمانی، اصفهان، کتابخانه امیرالمؤمنین.
- قمی مشهدی، محمدین محمدرضا، ۱۳۶۷، *تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب*، تحقیق حسین درگاهی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- کلینی، محمدین یعقوب، ۱۳۴۲، *الکافی*، شرح محمدصالح مازندرانی، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، المكتبة الاسلامية للنشر و التوزيع.
- لشکری، علیرضا، ۱۳۸۰، *نظام مالیاتی اسلام*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۳۶۶، *بحار الانوار*، چ پنجم، تهران، المكتبة الاسلامية.
- معلمی، سیدمهدی، ۱۳۹۰، *راهبردهای تحقق عدالت براساس آموزه‌های اسلامی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- نجفی، محمدحسن، ۱۳۶۲، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*، ترجمه عباس قوچانی، چ هفتم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- هاشمی شاهرودی، سیدمحمود، ۱۳۹۱، *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت*، قم، مؤسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت.
- هاشمی، سیدمحمود و همکاران، ۱۳۹۷، *مبانی اقتصاد اسلامی*، چ ششم، تهران، سمت.
- Atkinson, A. B., & Bourguignon, F., 2001, "Income distribution", *International Encyclopedia of the Social and Behavioral Sciences*, p. 7265-7271.
- Becker, G. S., 1962, "Irrational behavior and economic theory", *Journal of Political Economy*, N. 52, p. 1-13.
- Chauvel, L., & Hartung, A., 2016, *Malaise in the western middle classes, World social science report challenging inequalities: Pathways to a just world*, Paris, UNESCO Publishing.
- Drewnowski, J., 1976, *The definition and measurement of poverty*, The Hague, Institute of Social Studies.
- FAO, 2020, *Impacts of coronavirus on food security and nutrition in Asia and the Pacific: building more resilient food systems*, (June), 1-9.
- Fisher, J., Johnson, D., Latner, J. P., Smeeding, T., & Thompson, J., 2016, "Inequality and mobility using income, consumption, and wealth for the same individuals", *The Russell Sage Foundation Journal of the Social Sciences*, N. 2(6), p. 44-58.
- Friedman, M., 1953, "The methodology of positive economics", in *Friedman, Essays in Positive Economics*, Chicago, University of Chicago Press.
- Geremek, B., 1994, *Poverty: A history*, Blackwell Publishers, Oxford.
- Guthrie, S., Agassi, J., Andriolo, K. R., Buchdahl, D., Earhart, H. B., Greenberg, M., & Tissot, G., 1980, "A cognitive theory of religion", *Journal of Current Anthropology*, N. 21, p. 181-203.
- Hanson, J. L., 1986, *A Dictionary of economics and commerce*, London, Pitman Publishing Ltd.
- Hirschman, A. O., 1970, *Exit, voice and loyalty*, Cambridge, Mass: Harvard University Press.
- Hirschman, A. O., 1982, *Shifting involvements*, Princeton, University Press.
- Jäntti, M., Sierminska, E., & Smeeding, T., 2008, *The joint distribution of household income and wealth: Evidence from the Luxembourg Wealth Study. OECD Social, Employment and Migration Working Papers 65*, Paris, France, OECD Publishing.
- Jäntti, M., Sierminska, E., & Van Kerm, P., 2015, "Modeling the joint distribution of income and wealth", *Research on Economic Inequality*, N. 23, p. 301-327.
- Piketty, T., 2014, *Capital in the twenty first century*, Cambridge, MA, Belknap Press.
- Robbins, L., 1932, *An essay on the nature and significance of economic science*, London, Macmillan.